یادداشت

دست بسته غرب برای فشار به ایران

محمد مرندی
تحلیلگر حوزه روابط بین‌الملل

زمانی‌که مذاکرات وین کلید خورد و در نهایت به بن‌بست رسید جمهوری اسلامی ایران به سمت برگزاری انتخابات رفت. همان موقع غربی‌ها فشار آوردند و تهدید کردند که باید مذاکرات ادامه پیدا کند اما ایران بی‌اعتنا به آن تهدیدات در فکر برگزاری انتخابات بود و در نهایت این روند از زمان اعلام نتایج انتخابات و رای اعتماد به وزیران پیشنهادی رئیس‌جمهور در مجلس ادامه پیدا کرد. در طول این مدت هیچ اتفاقی هم نیفتاد و این مساله نشان‌دهنده این بود که تهدید غربی‌ها توخالی است. مهم‌ترین دلیل این توخالی بودن تهدید هم ادامه فشار حداکثری از سوی غرب به‌خصوص آمریکاست که ادامه همان روند است و ادامه این سیاست هم نشان داد فشار حداکثری علیه جمهوری اسلامی ایران شکست خورده است. عملکرد دولت فعلی هم مثل دولت قبلی آمریکاست و در بحث تحریم‌ها چیزی فراتر از آن نیست. اعلام تهدیدهای جدید از سوی آمریکا هم به نوعی تحرکی نمایشی است چون مواردی که به‌عنوان تحریم جدید اعلام شده همان تحریم‌های قبلی است و تاثیرگذاری واقعی بر مردم ایران است. بنابراین دست غربی‌ها برای اعمال فشار علیه ایران پر نیست، چون قدرت در منطقه در حال جابه‌جایی است. دوستان آمریکا در منطقه شکست خوردند و اسرائیلی‌ها بعد از جنگ غزه در شرایط مطلوبی قرار نگرفته‌اند و سعودی‌ها هم در باتلاق یمن گرفتار آمده‌اند. آمریکایی‌ها هم در افغانستان، عراق و سوریه در شرایط مطلوبی قرار نگرفتند و دیدیم که نیروهای این کشور عملا از افغانستان فرار کردند. از سوی دیگر آمریکا در سطح جهانی در برابر روسیه و چین قرار گرفته است. چین در شرایط کنونی به اعتراف آمریکایی‌ها نشان داد که در حوزه نظامی، تکنولوژی و فناوری از ایالات متحده پیش افتاده است. بنابراین آمریکا دست پری در برابر ایران ندارد و در مشکلات داخلی گرفتار شده و طرفداران و مخالفان ترامپ، کشور را دو دسته کردند. از سویی دیگر ایران کماکان همان سیاست رهبری را که اجرای کامل برجام است ادامه می‌دهد، یعنی جامعه جهانی می‌داند که جمهوری اسلامی شرط جدیدی برای برجام نگذاشته و در نقطه مقابل آمریکا و غرب در پی تعیین شروط جدید است و می‌خواهند برخی از تحریم‌های اوباما و ترامپ باقی بماند و ایران هم امتیازات جدیدی بدهد؛ انتظاری که اساسا منطقی نیست چون اگر جمهوری اسلامی این شروط را بپذیرد این مساله آغازی برای یک مصیبت جدید است و این تلقی برای غربی‌ها ایجاد می‌شود که آنها می‌توانند توافق امضا و نقض کنند و امتیاز بگیرند و به‌صورت روندی در خواهد آمد که هر چند ماه یک‌بار دوباره با وضع تحریم، قصد بازخواهی مجدد از ایران داشته باشند. دولت باید این هم به مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران اعلام کرده که ما حتی تضمین نمی‌دهیم که در طول دوران ریاست جمهوری باید این به برجام پایبند باشیم. این نشان می‌دهد که آمریکا به‌هیچ عنوان قابل اعتماد نیستند.

پافشاری برای مطالبه خسارت

مالک شریعتی
نماینده تهران

آنچه باعث می‌شود دست ایران در مذاکرات آتی پر باشد توجه به مواضع اعلامی و سیاست‌های اعمالی است. در جنبه اعلامی تمرکز و پافشاری بر خواسته‌های بحق و قانونی جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان مهم‌ترین اصل شناخته می‌شود و تاکنون این موضوع یک سیاست رسمی است که از جانب رهبر انقلاب و سایر ارکان حکومتی اعلام شده است. اعلام رسمی این موضع در خلال مذاکرات دور جدید و پافشاری آن می‌تواند به عنوان یکی از نشانه‌های دست پر بودن ایران شناخته شود. در همین راستا، مطالبه برای جبران خسارات ایران به‌واسطه اجرانکردن برجام از سوی طرف‌های مقابل می‌تواند به عنوان یکی از سیاست‌های اعلامی از سوی تیم مذاکره‌کننده جمهوری اسلامی مورد توجه قرار گیرد. بارها در رسانه‌های مختلف از سوی مقامات ایالات متحده آمریکا عنوان شد که به‌واسطه فشار حداکثری چه خساراتی را به ایران تحمیل کرده و حتی اعداد و ارقامی را هم برای میزان خسارات وارده ارائه کردند. به‌عنوان نمونه، در دوره گذشته، وزیر خارجه دولت ترامپ اعلام کرد که آمریکا ۷۰ میلیارد دلار به واسطه عدم‌فروش نفت به ایران خسارت وارد کرد.

بدهی قدیمی انگلیس به ایران هرچه سریع‌تر پرداخت شود

حسین امیرعبداللهیان، وزیر خارجه کشورمان و لیز تراس، وزیر خارجه انگلیس در یک گفت‌وگوی تلفنی درخصوص مسائل دوجانبه، گفت‌وگوهای وین و برخی موضوعات منطقه‌ای به بحث و تبادل‌نظر پرداختند. وزیر خارجه کشورمان در این مکالمه تلفنی یادآور شد که بخش اعظم توافقات تجاری میان دو کشور پس از برجام اجرایی نشده و ارتقای حجم تجارت و تسهیل مراودات مالی میان دو کشور نیازمند افزایش تحرک و اقدامات لندن است. امیرعبداللهیان همچنین با یادآوری بدهی قدیمی انگلستان به ایران، بازپرداخت این بدهی را حق ملت ایران خوانده و بر لزوم اقدام فوری لندن جهت بازپرداخت هرچه سریع‌تر این بدهی تأکید کرد. وزیر خارجه کشورمان درخصوص برجام نیز بر مسؤولیت آمریکا در به‌وجودآمدن شرایط کنونی تأکید و تصریح کرد که برخی طرف‌ها نیز با مسؤولیت‌ناپذیری و سکوت در برابر اقدامات آمریکا به بروز وضعیت فعلی دامن زده‌اند.

راهبردها و الزامات دور جدید مذاکرات هسته‌ای چیست؟

۱۰ گام مهم برای مذاکرات ۸ آذر

مریم عاقلی
سیاسی

انگار قرار نیست اخبار توافق سال ۹۴ که با اسم برجام به شهرت جهانی رسید، هیچ‌وقت تمام شود و فقط باید از دولتی به دولت دیگر انتقال پیدا کند، آن هم با همه محاسن و معایبش، البته محاسنش همان یکی دو سال اول تقریبا تمام شد و صف سرمایه‌گذاران خارجی که برای عقد قرارداد کنار کشورمان ایستاده بودند، یعنی از چشم بادامی‌های شرق آسیا تا جنتلمن‌های پای میز مذاکره و دولت‌های آماده لغو یکباره تحریم‌ها، خیلی زود در مقابل‌مان قرار گرفت. البته این همه یک توافق پرحاشیه نبود، چراکه ۱۵۰۰ تحریم جدید هم روی آن گذاشتند و حتی نفت را هم تحریم و پول‌هایمان را بلوکه کردند و خودشان هم که به کدخدا معروف شده بودند، یکطرفه از برجام خارج شدند تا خیلی زود معایب برجام تکمیل شود. در بهار سال ۹۷ که ترامپ از برجام رفت، عملا ایران و ۴+۱ حرف زیادی برای گفتن نداشتند و تعهدات شروع به کاهش کرد. طبیعی بود که ایران نمی‌خواست برای یک توافق یکطرفه هزینه بدهد، بنابراین، این تعهدات آن‌قدر کم شد که نهایتا مذاکرات پلاس برجام یا همان مذاکرات وین طراحی شد تا طرفین ببینند حالا که بایدن عزم برگشتن کرده، برای بازگشت آمریکا به برجام و اجرای تعهدات طرفین چه کار می‌توانند بکنند و به همین دلیل زمین بازی جدید دیپلماسی از بهار امسال در شهر وین، پایتخت اتریش شروع شد. شش دور از این مذاکرات گذشت تا این‌که با پایان دوره ریاست جمهوری حسن روحانی و روی کار آمدن سیدابراهیم رئیسی در تابستان متوقف شد. حالا هشتم آخرین ماه پاییز قرار جدید ۴+۱ با ایران است تا ببینند از برجام چه مانده که آن را احیا کنند و حق و حقوق کشورمان را بپردازند. ما در این گزارش می‌خواهیم از استراتژی و الزامات ایران در مذاکرات پیش‌رو صحبت کنیم.

پایان تماشاچی‌ها

حالا پرونده نیمه‌کاره وین در دولت رئیسی با تیم وزارت خارجه او دنبال می‌شود تا حقوق ایران که به‌واسطه کاهش تعهدات دولت قبلی آمریکا و اروپایی‌ها در حال تضییع‌شدن بود، دوباره اجرایی شود. اروپا که در بازی آمریکا برای خروج از برجام و افزایش تحریم‌ها نه‌تنها در عمل طرف ایالات‌متحده را گرفت بلکه به ایران هم خرده گرفت که چرا جمهوری اسلامی تعهدات خود را کاهش داده، باعث شد کار به تعیین ضرب‌الاجل ۶۰ روزه تهران برای اروپا کشیده شود. پس از پایان مهلت دولت‌های اروپایی و استمرار بی‌عملی آنها و صرف تماشاچی بودن‌شان در این معادله، تهران اعلام کرد غنی‌سازی اورانیوم خود را به بیش از سطح توافق سال ۲۰۱۵ رسانده است. به همین دلیل از ۲۴ فروردین سال جاری مسؤولان هسته‌ای کشورمان از آغاز عملیات اجرایی غنی‌سازی ۶۰درصد خبر دادند و صالحی، رئیس وقت سازمان انرژی اتمی علت این اقدام ایران برای تولید اورانیوم تا غنای ۶۰درصد را بر اساس قانون اقدام راهبردی مجلس در رفع تحریم‌ها عنوان کرد.

ایران در برجام بدهکار کسی نیست

درواقع افزایش غنی‌سازی و قانون راهبردی رفع تحریم‌ها توسط مجلس یازدهم اهرم‌هایی بود که به شکل‌گیری مذاکرات وین کمک کرد و اگر بخواهیم به شکل دقیق‌تر این موضوع را بازخوانی کنیم ماجرا این‌طور پیش‌رفت که آذرماه سال گذشته نمایندگان مجلس مصوبه‌ای به نام «اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها» تصویب کردند که قرار شد طبق آن اگر تا سوم اسفند ۹۹ تحریم‌های مالی، بانکی و نفت برداشته نشوند، دولت سالانه ۱۲۰ کیلوگرم اورانیوم ذخیره کند. البته شرط دیگر این مصوبه که حسابی طرف‌های مقابل را هم غافلگیر کرد این بود که بازرسان آژانس باید از ایران اخراج شوند و جمهوری اسلامی اجرای داوطلبانه پروتکل الحاقی را هم متوقف می‌کند. درحالی‌که براساس پروتکل الحاقی پیمان منع گسترش سلاح هسته‌ای (ان‌پی‌تی) بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مجاز بودند سرزده و هر زمان که لازم بدانند از تاسیسات هسته‌ای ایران بازرسی کنند. البته داستان به همین جا ختم نشد و مجموع این شرایط ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را دچار تنش کرد و همین موضوع چندباری هم رافائل گروسی مدیرکل آژانس را به تهران کشاند اما آنها صرفا یک پاسخ دریافت کردند؛ ایران در برجام بدهکار کسی نیست و آمریکا باید بدون تأخیر بیشتر و هرگونه پیش‌شرط، نقض تعهدات خود تحت توافق هسته‌ای و قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت را متوقف کند. حالا و از دومین دوشنبه آخرین ماه پاییز یعنی ۸ آذرماه قرار است دور هفتم مذاکرات وین بین کشورهای ۴+۱ یعنی انگلیس، فرانسه، چین و روسیه به اضافه آلمان و نماینده اتحادیه اروپا از یکسو و نمایندگان وزارت خارجه کشورمان در وین آغاز شود و آمریکا هم اجازه ندارد در این مذاکرات شرکت مستقیم داشته باشد. البته علی باقری، معاون سیاسی وزیر خارجه چند روز قبل در توییترش از آغاز این مذاکرات خبر داده و گفته بود که مذاکرات وین با هدف لغو تحریم‌های غیرقانونی آمریکا علیه ایران آغاز خواهد شد. او این را هم گفته بود که توافق درباره زمان نهایی آغاز دور جدید مذاکرات وین در تماس تلفنی با انریکه مورا، معاون مسؤول سیاست خارجی اتحادیه اروپا نهایی شده‌است. هرچند بعد از قطعی‌شدن این خبر، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا مدعی شد که مذاکرات باید از همانجایی آغاز شود که در ماه ژوئن پایان یافت و این درحالی بود که اساسا ایران در دور جدید استراتژی خاص خود را دنبال می‌کند. میخائیل اولیانوف، نماینده روسیه هم طرف دیگری بود که به این مذاکره واکنش نشان داد و گفت این تصمیم جمعی که همه از مدت‌ها قبل منتظرش بودند، راه را برای برداشته شدن تحریم‌های آمریکا و بازگشت ایران به اجرای کامل بندهای هسته‌ای توافق سال ۲۰۱۵ [برجام] باز می‌کند.

الزامات و استراتژی‌های ایران

براساس سیاست‌های کلی و راهبردی کشورمان، مذاکرات ما با طرف‌های غربی در چارچوب برجام و صرفا با طرف‌های برجامی بوده است، نه این‌که مذاکرات یکجانبه با دولت آمریکا، بنابراین از زمان خروج دولت آمریکا از برجام، آمریکا دیگر موضوعیتی در مذاکرات هسته‌ای نداشت مگر این‌که با جبران خسارت خروج یکطرفه به تعهدات برجامی خود عمل کند و تنها در این صورت می‌تواند در ترکیب کشورهای عضو برجام حضور داشته باشد اما در همین پارادایم اصلی چند الزام و راهبرد برای تیم مذاکره‌کننده ایرانی متصور است که مسیر را از گذشته متفاوت می‌کند.

مذاکره برای رفع تحریم

۱ آنچه در مذاکرات جدید وین برای ایران حائز اهمیت است نه فقط مذاکره برای مذاکره بلکه مذاکره برای رفع تحریم است و با این فضای ذهنی ایران در حال نزدیک شدن به مذاکرات جدید برجامی است. هم سیدابراهیم رئیسی و هم امیرعبداللهیان وزیر خارجه بر این نکته تاکید داشته‌اند که وضعیت اقتصادی و سفره مردم را نباید به مذاکره گره زد و با چنین رویکردی این پالس به طرف مقابل داده شده که ایران گرچه متاثر از تحریم‌هاست اما مذاکرات پیش‌رو باید متوازن باشد، به این معنا که همان‌طور که ایران به تعهدات خود عمل کرده طرف مقابل هم باید تعهداتش را تماما انجام دهد.

فقط مذاکره هسته‌ای

۲ توجه به تله مذاکرات، جامع است، یعنی این مذاکرات باید از موضع عزت و صرفا در موضوع هسته‌ای باشد و از این‌رو نباید اجازه داده شود که طرف مقابل از برجام هسته‌ای به برجام‌های موشکی و منطقه‌ای برسد. این همان نکته‌ای است که آمریکایی‌ها متوجه هستند که این دولت در آن تفاوت اساسی با دولت روحانی دارد و به همین دلیل این احتمال وجود دارد که بخواهند با ترفندهای دیگری طرف ایرانی را وادار کنند که بر سر میز مذاکرات جامع یعنی مساله موشکی، منطقه‌ای و حتی حقوق بشری حاضر شود.

تضمین فراموش نشود

۳ لزوم تضمین دادن طرف مقابل است، یعنی نه‌تنها آمریکا بلکه اروپا هم باید برای پایبندی به تعهدات برجامی خود تضمین بدهد. هر چند نمی‌توان برای عدم خروج دولتی مانند آمریکا تضمین گرفت اما نکته مهم این است که ایران باید در این مذاکرات تضمین عینی بگیرد تا اگر به هر سطحی از توافق رسیدیم، توافق متوقف نشود بنابراین نوع تضمینی که ایران باید بگیرد بسیار مهم است تا تحریم‌های لغو شده دوباره برقرار نشود. با تجربه قبلی در این زمینه و خروج آمریکا هر نوع خروج بدون‌ضابطه‌ای باید متضمن تنبیهات و مجازات‌ها باشد. تاکنون در صورت ارجاع شکایت هریک از طرفین به شورای امنیت این موضوع برای ایران براساس رای‌گیری اما برای طرف مقابل براساس اجماع بوده که این سازوکار هم باید مورد بررسی و تغییر قرار بگیرد.

ماشه را خنثی کن!

۴ موضوع اسنپ بک یا مکانیسم ماشه بحث مهم دیگری است که در بند ۱۱ و ۱۲ توافق هسته‌ای (برجام) به پروسه اعمال این مکانیسم اشاره شده و به معنای بازگشت فوری به دوران قبل از برجام و اعمال تحریم‌های مجدد علیه جمهوری اسلامی است. باید در دور جدید مذاکرات این بند مورد بازبینی قرار بگیرد، متاسفانه یکی از مشکلات ذاتی برجام همین بند است؛ هرچند ایران تاکنون هوشمندانه عمل کرده است. از سوی دیگر آمریکایی‌ها امیدوارند که بتوانند دوگانه مذاکره ـ جنگ را علیه ایران استفاده کنند اما برای دولت سیزدهم این دوگانه منتفی است و دیگری کسی به‌دنبال سایه گرفتن از جنگ نیست، به‌ویژه با اتفاق اخیری که در دریای عمان رقم خورد و نیروی دریایی سپاه پاسداران از حقوق کشورمان در مقابل دزدی دریایی نیروهای آمریکایی صیانت کردند، نشان می‌دهد که ایران در ترازی قرار دارد که برخلاف تصورات آمریکاست و دیگر مانند دولت قبلی نیست که خودش فضای روانی ایجاد کند و بخواهد سایه جنگ را سنگین کند تا به نوعی امتیاز بدهد.

برگ برنده‌ای به نام «راستی‌آزمایی»

۵ استراتژی مهم دیگر برای ایران در این زمینه راستی‌آزمایی تعهدات طرف مقابل است؛ مثلا چنانچه فروش نفت و انتقال درآمد از آن آزاد اعلام شود، حتما باید مورد راستی‌آزمایی قرار گیرد و ایران باید نتیجه عینی آن را ببیند سپس با ورود مجدد آمریکا به برجام موافقت کند. بنابراین نباید این‌طور باشد که صرفا اگر توافق صورت گرفت آمریکایی‌ها به برجام بازگردند ولی تضمینی ندهند؛ حتی می‌توان گفت اگر توافقی حاصل شد همان‌طور که ایران در مجلس خود برجام را به تصویب رساند، آنها هم باید توافقات را در کنگره به تصویب برسانند. هرچند اوباما نتوانست این مسیر را طی کند اما تضمین بالادستی در سیستم آمریکا درباره این توافق و تضمین اجرای تعهدات آن برای ایران ضروری است.

استراتژی خنثی‌سازی تحریم

۶ ایران باید بتواند جنبه تبلیغاتی و جنگ روانی آمریکایی‌ها را در این مذاکرات خنثی کند؛ دیگر همه ما به‌خوبی می‌دانیم آمریکا به‌عنوان دولت معتاد تحریم‌ها دست از اعمال تحریم نمی‌کشد مگر این‌که ایران تحریم‌ها را خنثی کند؛ بنابراین دانستن این موضوع که لغو تحریم به صورت کامل اتفاق نخواهدافتاد، چشم‌انداز واقع‌گرایانه‌تری به ما می‌دهد. در حال حاضر توپ در زمین طرف مقابل است و ایران تنها باید نشان دهد اولا آماده مذاکره است و ثانیا در چارچوب برجام قرار دارد و گام‌هایی هم که در راستای کاهش تعهدات انجام داده، در قاعده برجام بوده است. نشانه آن هم این است اگر آمریکا تحریم‌های پسابرجام را لغو کند ایران هم می‌تواند دوباره به سطح قبلی تعهدات خود بازگردد و به طور مثال غنی‌سازی ۶۰درصد را متوقف کند. لذا قرار نیست ایران میز مذاکره را ترک کند بلکه نکته مهم این است که طرف مقابل نمی‌تواند در مذاکرات ایران را بازی بدهد.

پیوست‌های رسانه‌ای ـ اجتماعی مذاکرات

۷ ایران باید دیپلماسی رسانه‌ای خود را فعال کند، در واقع یکی از رویکردهای مهم، پیوست اجتماعی و رسانه‌ای این مذاکرات است که در این باب چند نکته حائز اهمیت است؛ اول بازتاب صدای واحد از ایران است، به این معنا که تشتت و تضعیف رویکردهای سیاست خارجی تا رسیدن زمان مذاکره یکی از اشتباه‌های فاحش است که ما را از حصول نتیجه اصلی دور می‌کند. مورد بعدی که سبب می‌شود ایران در روند مذاکرات دست برتر را داشته باشد و می‌تواند به عنوان یک پیوست فرامتنی همراه مذاکره باشد، بدون شک تقویت روابط تهران با چین و روسیه به عنوان دو متحد استراتژیک است؛ کما این‌که سفر علی باقری به مسکو در هفته‌های اخیر در همین چارچوب قابل تحلیل است. مورد سوم هم توجه به پیوست مهم دیگری است که می‌تواند تاکید ایران بر سطح بالای برخورداری از فناوری‌های هسته‌ای به واسطه رونمایی از جنبه‌های مختلف این صنعت و استفاده از اصل غافلگیری تا پیش از مذاکرات باشد، لذا مجموعه این اقدامات دیپلماسی، سیاسی و فنی می‌تواند دست ایران را در مذاکرات بالا نگه دارد.

حرف آخر را اول بزن!

۸ بدیهی است گفت‌وگو و مذاکره باید مبنای مشترک داشته باشد و ما بعد از آن می‌توانیم بر سر میز مذاکره حاضر شویم. البته اعلام صریح این‌که هدف ما برای مذاکره رفع تحریم‌هاست، به شفاف شدن این مبنا کمک می‌کند اما باید توجه داشت به هیچ وجه نمی‌توان درباره مذاکرات پنهان‌کاری کرد. بر همین اساس ما هر آنچه در آخر مذاکرات می‌خواهیم بگوییم باید از ابتدای مذاکرات اعلام کنیم و با دستور کار روشن و شفاف به وین برویم تا اگر احیانا در انتهای مذاکرات به نتیجه نرسیدیم علیه ایران پروپاگاندا ایجاد نشود و به این ترتیب از پیامدهای بعدی که آمریکا می‌تواند ایجاد کند جلوگیری کنیم. داشتن مبنای مشترک و حرکت براساس آن، احتمالا به نتیجه‌بخش شدن مذاکره و جلوگیری از فرسایشی شدن آن کمک بیشتری می‌کند.

ما بدهکار نیستیم

۹ هر بازیگری باید در صحنه بین‌الملل مسؤولیت‌پذیر باشد؛ ایران هم به‌عنوان یک بازیگر اصلی در برجام به تکالیف خود عمل کرده اما اگر انگیزه مذاکره‌کنندگان در طرف مقابل دست نیافتن ایران به سلاح هسته‌ای است، برای ما هم لغو تحریم‌هاست و نگرانی دو طرف باید برطرف شود. نکته بسیار مهم اما این است که برجام قابل تغییر یا قابل‌مذاکره مجدد نیست و این توافق انجام شده و اجرای توافق باید همچنان معطوف به رفتار طرف مقابل باشد؛ یعنی ایران در موضوع برجام بدهکار هیچ کشوری نیست و به همین علت باید توافق درباره رفتار هم اصلاح شود. شواهد و فکت‌های موجود نشان می‌دهد ایران برای رسیدن به توافق وارد مذاکره می‌شود اما قرار هم نیست در صورت بی‌مسؤولیتی اعضای دیگر تا ابد در یک توافق معیوب باقی بماند.

حرکت تیمی منسجم علت تحریم

۱۰ یکی دیگر از پیشنهادهای سازنده درباره الزامات مذاکره در دوره جدید لزوم تشکیل کارگروه‌های تخصصی است، یعنی خوب است تیم مذاکره‌کننده معطوف به لغو تحریم‌ها، تعهدات هسته‌ای و ساز و کارهای اجرایی آن سندی راهبردی و کارگروه‌های تخصصی ایجاد کند و در عین حال از وزارتخانه‌های مرتبط از جمله صمت، اقتصاد، راه و مسکن و بانک مرکزی نمایندگانی را فراخوان کند که هم به پیچیدگی‌های تحریم و هم حقوق بین‌الملل اشراف داشته باشند و بتوانند در مذاکرات پیش رو حاضر شوند. نکته پایانی هم اهمیت توجه تیم مذاکره‌کننده به این نکته کلیدی است که اگر ترامپ با رفتن خود و بایدن با آمدن خود می‌خواهند تغییراتی در برجام به نفع آمریکا ایجاد کنند، ایران نباید از خواسته اصلی دولت و ملت یعنی رفع تحریم‌ها در مذاکره، حتی یک قدم عقب‌نشینی کند.